



## جریان خواندنی ولادت کوثر (س) از زبان امام صادق(ع)

ميلاد دختر يگانه رسول خدا(ص) و الگوي همه مردان و زنان را به شما مخاطبان گرامي تبريك مي گويم و اميدوارم از تمام برکات اين حادثه فرخنده بهره مند باشيد و باشيم.

ميلاد دختر يگانه رسول خدا(ص) و الگوي همه مردان و زنان را به شما مخاطبان گرامي تبريك مي گويم و اميدوارم از تمام برکات اين حادثه فرخنده بهره مند باشيد و باشيم. به همين مناسبت روايت بسيار زيبايي پيرامون كيفيت ولادت آن ولية الله تقديم شما مي كنم. اين روايت را مرحوم علامه اميني در كتابي به نام «فاطمة الزهرا عليها سلام» نقل کرده است. توصيه اكيدي مي كنم كه خواندن اين كتاب کوتاه و فارسي را از دست ندهيد.

روايت مورد نظر «حديثي است از مفصل بن عمر كه او از حضرت صادق سلام الله عليه سؤال مي كند كه ولادت فاطمه عليها سلام چگونه بوده است ؟ آن حضرت در ابتدای كلام مي فرمايد: نعم ...

گفتن كلمه نعم (بلي) در شروع سخن نشانگر عظمت موضوع و مويدي اين است كه طرح اين سؤال ، بسيار ارزنده و قابل بحث و گفتگو است و اين مطلبي است گفتني و داستاني است شنيدني .

نعم ، بلي چه ولادتي ، چه مولودي ... چه داستان عجيبی ...

سپس امام صادق (ع) فرمود: « بعد از آنكه خديجه (ع) با پيامبر اكرم (ص) ازدواج كرد، زنهای مكه از او دوري جسته و ديگر به خانه او نمي آمدند و در هنگام ملاقات با خديجه (ع) از سلام كردن به او خودداري مي كردند و از ورود زنان به خانه او جلوگیری مي نمودند به اين جهت قلب خديجه را غم و وحشت فراگرفت ، البته نه از ترس جان خودش بلكه براي خطري كه جان پيامبر اكرم تهديد مي كرد.

هنگامي كه خديجه (ع) به فاطمه عليها سلام باردار شد، حضرت فاطمه (ع) در بطن او غفلتا رسول خدا(ص) وارد خانه شد، و سخن گفتن فاطمه را با خديجه بشنيد، از خديجه (ع) سؤال فرمود، با چه كسي سخن مي گفتي ؟ عرض كرد:

اين كودكي كه در بطن من است ، هم صحبت من و مونس تنهائي من است .

پيامبر اكرم (ص) فرمود:

اي خديجه ، اينك جبرئيل به من خبر مي دهد كه اين كودك ، دختر است بدرستي كه اوست اصل و ريشه نسب مبارك و پاكيزه من ، كه خدای تبارك و تعالی سلسله اولاد مرا از او قرار داده است ، و از نسل اوست ائمه طاهرين و خلفای روی زمین ، بعد از انقضاء دوران وحی من .

حضرت فاطمه (ع) تا هنگام ولادتش با خديجه سخن مي گفت ، و مونس و هم صحبت مادر بود وقتي كه ميلادش نزديك شد، خديجه (همانگونه كه بين ساير زنان مرسوم است) به زنان قریش و بني هاشم پيغام داد كه زمان وضع حمل من نزديك است به نزد من آئييد، و مرا در ولادت نوزادم ياري و مساعدت نمائيد. ولي آنان چنين پاسخ دادند: اي خديجه ، چون تو در امر ازدواجت گفتار ما را قبول نكردي ، و از سخنان ما سريپيچي نمودي ، و محمد، يتييم آل ابي طالب را كه فقيري تهيدست است به همسري برگزيدي ما نيز به نزد تو هرگز نمي آئيم ، و در هنگام زادن ، يارو پرستارت نخواهيم بود. حضرت خديجه (ع) از جواب رد آنان سخت غمگين و آزرده خاطر شد. در آن بين ، ناگهان چهار زن ، همانند زنان بني هاشم ، به خانه جناب خديجه وارد شدند، در حالي كه خديجه (ع) از ديدار آنان هراسان شده بود، يكي از آن چهار زن به او گفت : اي خديجه ، غم مخور، پروردگار تو ما را براي ياري تو فرستاده است ، ما خواهران و ياوران تو هستيم ، من ، ساره هستم ، اين آسيه دختر مزاحم، رفيق بهشتي تو است. اين ، مريم دختر عمران ، و اين ، كلثوم خواهر موسي بن عمران است. خدا ما را براي كمك تو فرستاده است ، تا (در اين حالت كه هر زني معمولاً به كمك زنان ديگر نيازمند است) يارو پرستار تو باشيم .

يك نفر از آن چهار زن در سمت راست خديجه (ع) ، دومي در طرف چپ او، سومي در پيش رويش ، و چهارمي در پشت سر او (به ترتيبی كه براي تولد نوزاد مرسوم است) نشستند.

فاطمه عليها سلام پاك و پاكيزه تولد يافت ، و چون آن مولود مقدس بر زمين فرود آمد، نوري از طلعت او ساطع شد كه پرتو آن در تمام خانه های مكه وارد گرديد، و در شرق و غرب زمين محلی نماند كه از آن نور بي بهره باشد در آن هنگام ده نفر حورالعین ، كه در دست هر يك آفتابه اي بهشتي ، پر از آب كوثر و يك طشت بهشتي بود، وارد شدند و به خدمت آن بانويي كه در پيش روی حضرت خديجه (ع) نشسته بود، تقديم كردند، و آن بانو، حضرت فاطمه (ع) را (نه با آبهای دنيا) بلكه با آب كوثر شست و شو نمود، و سپس در ميان پارچه اي كه از شير سپيدتر، و از مشك و عنبر خوشبوتر بود، پيچيد و از همان پارچه ، مقنعه اي براي سر مبارك او ترتيب داد، و قبل از اينكه او سخن بگويد، فاطمه عليها سلام چنين به سخن آغاز فرمود:

شهادت مي دهم كه خدائي جز الله نيست ، و اينكه پدرم پيام آور از جانب خدا و سيد و سالار پيبران است ، و اينكه همسر من سيدالوصياء و فرزندانم سيد و سالار نوادگان رسول خدا هستند.

اين كلمات نخستين سخن حضرت صديقه سلام الله عليها، بعد از تولد اوست ، و سپس فاطمه (ع) به هر يك از آن چهار زن با ذكر نامش سلام فرمود، و آنان شاد و خندان به سلام او پاسخ گفتند.

حوران بهشتي كه در آنجا حضور داشتند ولادت حضرت زهرا(ع) را به يكدیگر مبارکباد گفتند، و دامنه اين شور و سرور به

آسمانها کشیده شد، و اهالی آسمان هر یک در بشارت و تهنیت بر دیگران پیشی می گرفت آن نور بسیار درخشانی که در میلاد حضرت فاطمه (ع) در آسمانها حادث شد، نوری که قبل از آن هرگز فرشتگان نظیر آنرا مشاهده نکرده بودند، بشارت دهنده این مطلب بود، که عالم از طلعت این نوزاد، چراغان است، و جهان از پرتو رحمت نور باران ...

آن چهار بانو، نوزاد را به خدمت خدیجه (ع) آوردند و گفتند:

ای خدیجه، بگیر فرزند خود را، که پاک و پاکیزه و مطهر و مبارک است، و برکات بی پایان الهی در وجود او، و نسل اوست.»

ناسپاسی و بی معرفتی است که در اینجا یادی از امام راحل، خمینی عزیز رضوان الله علیه، نداشته باشیم؛ او که در چنین روزی متولد شدو الحق که یکی از مصداق های روشن و برجسته برکات بی پایان الهی در نسل صدیقه کبری سلام الله علیها است. روحش شاد و باز هم تبریک.